



دانشگاه الزهراء

نشریه علمی
تخصصی انجمن
علمی دانشجویی
فقه و مبانی
حقوق اسلامی

میزان

شماره بیست و چهارم، فصلنامه زمستان ۱۴۰۱



میزان
حقوق

نشریه علمی تخصصی انجمن علمی دانشجویی فقه و مبانی حقوق اسلامی

سخن سردبیر ۳

اشتغال زنان؛ سنگ اندازی یا حمایت قانون؟! ۴

بررسی قوانین در خصوص حق خروج زنان متأهل از کشور ۸

تغییر نام و تاثیر و اهمیت آن بر شخص ۹

حقوق کودکان نامشروع از دیدگاه فقه و قوانین حاکم بر جامعه ۱۵

پوشش زنان؛ مسئله قانونی یا فرهنگی؟! ۱۸

میزان

شماره ۲۴

صاحب امتیاز: انجمن علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی

زیر نظر معاونت فرهنگی دانشگاه الزهرا (س)

استاد راهنما: دکتر زهرا سادات میرهاشمی

کارشناس نشریات: سرکار خانم زهرا نعمتی

مدیر مسئول: فاطمه حسین فشمی

سردبیر: اسما میری


مشاور سردبیر: آمنه چیریها


هیأت تحریریه: اسما میری، محدثه ملک زاده، مریم سادات

محمود زاده، آمنه چیریها، ساجده سادات موسوی

طراح و صفحه آر: منیژه ضربایی

ویراستار: آمنه چیریها

 mizan.magazine17@gmail.com

 @mizan.magazine

نشانی: تهران میدان ونک، میدان شیخ بهایی، دانشگاه الزهرا (س)

سخن سردبیر

به نام حضرت حق

با عرض سلام خدمت همراهان گرامی نشریه میزان گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه الزهرا (س)

در این شماره از نشریه مانند شماره‌های پیشین سعی ما بر آن بود تا همراه با موضوعات و دغدغه‌های دانشجویان به صورت پویا و هدفمند گام برداریم. موضوعات این فصلنامه شامل مسائل حوزه زنان از قبیل؛ اشتغال و حق خروج از کشور، حقوق کودکان نامشروع، حق بر تغییر نام و تاثیر آن بر شخص و مسئله پوشش زنان می‌باشد.

دختران و زنان در ایران اسلامی همواره در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی و اجتماعی حضور فعال داشته و برای میهن عزیزمان افتخار آفرینی می‌کنند. آمار بانوان تحصیلکرده و شاغلی که توسط معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری هر سال منتشر می‌شود، نشان دهنده اهمیت این موضوع است. رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای در زمان‌های مختلف و در دیدار با زنان فرهیخته و فعال کشور، با توجه به نگاه عادلانه اسلام، همواره بر لزوم مشارکت بانوان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و مهم کشور تاکید دارند و بیانات ایشان در حوزه‌های گوناگون، لزوم توجه به تفاوت‌های جنسیتی برای آرامش و نقش آفرینی بهتر زنان را نشان می‌دهد. فعالیت یک هزار و ۱۲۱ زن قاضی در کشور، رشد ۲۲۷ درصدی زنان داوطلب نمایندگی مجلس در دوره یازدهم، کسب ۱۱۱ کرسی مجلس شورای اسلامی توسط زنان در ۱۱ دوره، ارتقا میزان مشارکت زنان در مجلس به ۵.۵۹ درصد و حضور ۱۶.۵ برابری زنان نماینده مجلس شورای اسلامی از دور اول از دستاوردهای زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۴۰۰ است که همه این‌ها نشان از توجه ویژه به حوزه زنان و خانواده دارد.

نشریه میزان در نظر دارد در جهت ارتقای همکاری علمی از علاقمندان دعوت بعمل آورد تا مطالب خود را در قالب؛ مقاله، مصاحبه، گزارش و اینفوگرافیک برای ایمیل نشریه ارسال نمایند.

اسما میر

کارشناس فقه و مبانی حقوق اسلامی

اشتغال زنان؛ سنگ اندازی یا حمایت قانون؟!

محدثه ملک زاده
کارشناس فقه و مباحث حقوق اسلامی



۶) وجود محدودیت‌هایی برای انتخاب شغل و تک جنسیتی بودن بعضی مشاغل با همه این سخن‌ها اشتغال زنان در ایران به رسمیت شناخته شده و در قوانین موجود موادی به این امر اختصاص داده شده‌اند.

قانون اساسی

از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین قوانین هر کشوری می‌توان به قانون اساسی آن کشور اشاره کرد که در ابتدا به اصول مربوطه می‌پردازیم:

اصل بیستم: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
 ۲. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.
 ۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
 ۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست
 ۵. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی
- اصل بیست و هشتم:** هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.
- در میان این سه اصول اصل بیست و هشتم از مهم‌ترین آن‌هاست. در خصوص تضمین اشتغال زنان اصل بیست

امروزه با توسعه علم و فرهنگ شاهد درصد بیشتری از زنان در محیط کار هستیم. برخلاف گذشته که اشتغال زنان در میان افراد جامعه امری غیرمرسوم بوده و حتی برخی از زنان نیز آن را پدیده‌ای دست نیافتنی و غیرممکن می‌دانستند. اما با گذر زمان خانم‌ها و دخترانی به مبارزه با این تفکرات و عقاید غلط به پا خواستند و بستر را برای اشتغال هم‌نوعان خود مهیا کردند چنان که در مراکز آموزشگاهی، علمی و فرهنگی دختران و زنان فرهیخته بسیاری خوش درخشیده‌اند و صاحب افتخاراتی در حوزه تحصیلی و شغلی خود شده‌اند.

آثار مثبت و منفی اشتغال زنان

اشتغال زنان پیامدهای مثبت و منفی قابل توجهی در زندگی آن‌ها دارد. از تأثیرات مثبت آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱) رشد فرهنگی اجتماعی و اقتصادی جوامع
- ۲) کم شدن بار مسئولیت و مشکلات اقتصادی از دوش مردان
- ۳) برابری زن و مرد
- ۴) بالا رفتن درآمد خانواده
- ۵) کم‌تر شدن هزینه‌ها
- ۶) احترام و پذیرش زنان در محیط کار
- ۷) ارزش‌گذاری برای وجود خانم‌ها و محدود نکردن آن‌ها در محیط خانه

اما در کنار این موارد آثار و پیامدهای منفی نیز وجود دارد که ممکن است در برخی موارد باعث پا پس کشیدن زنان از ادامه اشتغال خود شود، از جمله:

- ۱) کمبود امنیت خانم‌ها در محیط کار
- ۲) بحث و جدلهایی میان زوج و زوجه شاغل
- ۳) تفکرات و درخواست‌های نا به جا و نادرست نسبت به آن‌ها
- ۴) رسیدگی به امور خانه در کنار اشتغال
- ۵) وجود تبعیض جنسیتی در موضوع حقوق

و یکم و قسمتی از اصل بیست و هشتم حائز اهمیت هستند و این راستا می‌توانیم به قسمتی از اصل چهل و سوم: (۴۰۰۰- رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری) اشاره کنیم.

با این حال با توجه به اصل بیست و هشتم متوجه می‌شویم قانونگذار محدودیتی برای اشتغال خانم‌ها در نظر گرفته که نباید حرفه آن‌ها مخالف اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران باشد.

قانون کار

موادی در قانون کار کشورمان به این امر اختصاص داده شده که در ادامه به مطالعه این موارد می‌پردازیم:

ماده ۷۵

انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگران زن ممنوع است. دستورات عمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید.

ماده ۷۶

این ماده از قانون کار دارای دو تبصره می‌باشد: مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعاً ۹۰ روز است. حتی‌الامکان ۴۵ روز از این مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد. برای زایمان توأمان ۱۴ روز به مدت مرخصی اضافه می‌شود. تبصره ۱- پس از پایان مرخصی زایمان، کارگر زن به کار سابق خود باز می‌گردد و این مدت با تأیید سازمان تأمین اجتماعی جزء سوابق خدمت وی محسوب می‌شود. تبصره ۲- حقوق ایام مرخصی زایمان طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی پرداخت خواهد شد.

ماده ۷۷

در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی، نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تاپایان دوره بارداری وی بدون کسر حق‌السعی کار مناسب‌تر و سبکتری به او ارجاع می‌نماید.

ماده ۷۸

در کارهایی که دارای کارگر زن هستند کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر سه ساعت نیم ساعت فرصت شیر دادن بدهد. این فرصت جزء ساعات کار آنان محسوب می‌شود و همچنین کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آن‌ها مراکز مربوط به نگهداری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه، مهد کودک و...) را ایجاد نماید. تبصره- آیین‌نامه اجرایی، ضوابط تأسیس و اداره شیرخوارگاه و مهد کودک توسط سازمان بهزیستی کل کشور تهیه و پس از تصویب وزیر کار و امور اجتماعی به مرحله اجراء گذاشته می‌شود.

ماده ۶

بر اساس بند چهار اصل چهل و سوم و بند شش اصل دوم و اصول نوزدهم، بیستم و بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگری ممنوع و مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.

همانطور که در این مواد خواندیم اشتغال زن در نظر قانون و قانونگذار امری مقبول است و به کسانی که شرایط خاص و ویژه‌ای دارند توجه کرده و حقوق خاصی برای آن‌ها در نظر گرفته است.

قانون مدنی

طبق ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ریاست خانواده بر عهده شوهر است و به همین دلیل او می‌تواند طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی: شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند. و ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۵۳: شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند. با ارائه تقاضا نامه منع اشتغال زن به دادگاه او را از اشتغال منع کند و بالعکس خانم نیز زمانی که شغل زوج منافعی مصلحت و آبروی خانواده باشد این امکان را دارد. اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که از چه لحاظ و جنبه‌های شغل زن سنجیده می‌شود و طبق آن دادگاه رای صادر می‌کند؟

ملاکی که باید در نظر گرفته شود نوعی و شخصی است. در بعضی موارد، شغل در عرف و فرهنگ جامعه‌ای قابل پذیرش نیست برای مثال زنانی که در خیابان گدایی می‌کنند و دوره گردان هستند. ولی مواقعی وجود دارد که شغل و حرفه زوجه از نظر قانون اشکالی ندارد اما در خانواده او مقبول نیست. در اینجا باید با شرایط زندگی، موقعیت اجتماعی فرهنگی و مذهبی و سطح فرهنگ خانم تطبیق داده شود که آیا می‌توان دستور به منع او داد یا خیر. نکته قابل توجه برای خانم‌ها این است که آن‌ها می‌توانند شروطی را ضمن عقد نکاح بیاورند که یکی از آن‌ها حق اشتغال اوست. هنگامی که زوجه شرط را ضمن عقد نکاح خود آورده و زوج آن را امضا کند، دیگر نمی‌تواند مانع اشتغال همسرش شود.



بررسی قوانین در خصوص حق خروج زنان متاهل از کشور



اسما میرزا

کارشناس فقه و میان حقوق اسلامی

۱. زنانی که همراه همسر خود مقیم خارج هستند.
۲. زنانی که همسر خارجی اختیار کرده‌اند و دارای تابعیت ایرانی هستند.

سخن پایانی

شیوه اخذ اجازه همیشگی برای خروج زن متاهل از کشور، شرط کردن این موضوع جزء شروط ضمن عقد است. که در واقع این کار به وکالت جهت صدور و تمدید گذرنامه لازم است. زوجه این شرط وکالت بلا عزل را از همسر خود می‌گیرد در این صورت دیگر برای خروج از کشور نیاز به اجازه شوهر نخواهد داشت.

اجازه خروج زن از کشور از مسائلی است که بسیار ذهن بانوان متاهل را درگیر خود می‌کند و در این خصوص دچار مشکل می‌شوند.

این محدودیت باعث می‌شود مردان بسیاری از این موضوع سوء استفاده کرده و بی دلیل موجهی زن را از خروج و دریافت گذرنامه منع کنند. حتی در مواردی ممکن است زن و مرد با یکدیگر زندگی نکنند اما مرد به قصد اذیت زن او را طلاق نمی‌دهد و اجازه خروج به او نمی‌دهد. زوجه برای دیدار با خانواده خود که در خارج مشغول زندگی هستند یا معالجه و درمان پزشکی یا مسابقات ورزشی قصد عزیمت به خارج از کشور را دارد ولی اجازه خروج قانونی را ندارد و مشکلات بسیاری برای او ایجاد می‌شود. مطابق با قوانین موجود طبق ماده ۱۸ قانون گذرنامه زوجه جهت خروج از کشور نیازمند رضایت کتبی از همسر خود می‌باشد. زنان شوهردار هم با رضایت کتبی و در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل صدور گذرنامه داده می‌شود و لزوماً در موارد اضطراری اجازه کتبی از شوهر منتفی شده و اجازه دادستان جایگزین آن می‌شود.

در موارد استثنائی اجازه شوهر لازم نیست:

خروج زن با هدف انجام واجبات عینی، مبنی بر اینکه انجام این واجبات متوقف بر خروج زن از منزل می‌شود، از قبیل؛ سفر برای انجام واجبات حج؛ نجات دادن فرد؛ برای آموختن معارف دینی و کلامی؛ و یا با هدف معالجه و درمان قطعی. در این موارد اگر بدون اذن شوهر مسافرت کند نفقه از او ساقط نمی‌شود و زن نیازمند رضایت از همسر خود نمی‌باشد.

دو دسته از زنان برای سفر به خارج از کشور نیاز به اجازه همسران خود ندارند:





تغییر نام و تاثیر و اهمیت آن بر شخص

مریم سادات محمودزاده
کارشناس فقه و مبانی حقوق اسلامی

ایجاب می‌کند که تغییر نام در شرایط استثنایی مانند تغییر جنسیت و تغییر ملیت مورد پذیرش قرار گیرد در غیر اینصورت درخواست تغییر، موجه نخواهد بود. بدیهی است در این دیدگاه تغییر نام به عنوان یک حق به حساب نمی‌آید بلکه با توجه به شرایطی که برای فرد عارض می‌شود با آن شرایط تغییر نام توجیه می‌گردد مانند تغییر ملیت و غیره.

دیدگاه دیگر این است که تغییر نام باید توجیه قابل قبول داشته باشد به عبارت دیگر نام دلخواه فرد بر نام شناسنامه‌ای او ترجیح داشته باشد در غیر اینصورت درخواست تغییر نام مورد قبول واقع نخواهد شد. در این دیدگاه فرد برای تغییر نام باید دلیل موجهی داشته باشد مانند اینکه نام شناسنامه‌ای وی دارای مفهومی مناسب نیست در حالیکه نام پیشنهادی نسبت به آن ترجیح دارد.

نظر دیگر این است که تغییر نام یکی از حقوق اولیه اشخاص تلقی می‌گردد بدون اینکه توجیهی برای تغییر نام وجود داشته باشد. بنابراین؛ گرچه در رویه قضایی؛ دادگاه‌ها می‌توانند با توجه به استدلال حقوقی با پذیرش هریک از مبانی فوق، مبادرت به تصمیم قضایی نمایند؛ ولیکن بنظر اینجانب با توجه به ماده ۹۵۸ قانون مدنی (که

حق بر تغییر نام کوچک: امکان یا عدم امکان

داشتن نام نیک و نیکو برای افراد مورد سفارش بزرگان و از ضروریات زندگی اجتماعی است؛ و با توجه به اینکه کودک در زمان طفولیت (به لحاظ عقلی) امکان انتخاب نام برای خود را ندارد این بر عهده والدین اوست که نام مناسب و نیکو برای فرزند خود انتخاب نمایند. اما اگر کودک در بزرگسالی نام انتخاب شده را مناسب با وضعیت خود نداند یا نام انتخابی توسط والدین را بنا به هر دلیلی (موجه یا غیرموجه) نپسندد با توجه به اینکه به سن قانونی رسیده است آیا این حق را دارد که درخواست کند تا نام شناسنامه‌ای وی به نام مورد دلخواه او تغییر یابد؟ اگر پاسخ منفی است دلیل آن چیست و اگر پاسخ مثبت است محدوده این حق تا کجاست آیا فرد بعد از رسیدن به سن قانونی هر چند تعداد می‌تواند این درخواست را داشته باشد؟

پاسخ مسایل فوق نزد علمای حقوق و رویه قضایی متفاوت است. برخی معتقدند نام و نام خانوادگی از اوصاف وابسته به شخص است که نشان دهنده هویت او در اجتماع است و برای ارتباط مستمر افراد با یکدیگر و لزوم برقراری نظم در اسناد سجلی و پرهیز از تزلزل روابط؛

مقرر می‌کند «هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.» و نظر به اینکه طفل در زمان تعیین نام به لحاظ عقلی امکان مداخله در نام انتخابی توسط والدین را ندارد و نیز با توجه به ماده مذکور که اساساً اهلیت این کار را نیز به علت کودکی و صغر سن ندارد و نظر به اینکه حق برخورداری از حقوق مدنی یک حق بنیادین و اساسی می‌باشد که غیر قابل سلب است، بنابراین در فرض مطروحه، فرد می‌تواند پس از رسیدن به سن قانونی با توجه به اینکه اهلیت پیدا می‌کند «یک بار» حق تغییر نام را داشته باشد و سلب این حق به عنوان یک حق مدنی و اجتماعی مغایر با اصل ۲۰ قانون اساسی و ماده ۹۵۸ قانون مدنی می‌باشد. بدیهی است اگر فرد نامی انتخاب کند که مغایر با فرهنگ و آداب اجتماعی باشد برای دادگاه این قابل قبول نخواهد بود بلکه نام دلخواه وی باید متعارف و مبتنی بر عرف اجتماعی باشد. اما علت اینکه ما قائل هستیم که فرد فقط یک بار می‌تواند از این حق استفاده کند بخاطر آن است که از یک سو این حق با اعمال آن اجرا و تمام شده محسوب می‌گردد و از سوی دیگر لزوم حفظ اعتبار و استحکام اسناد سجلی که مبتنی بر نظم عمومی و مصالح اجتماعی است مانع از آن است فرد بتواند هر چند وقت این امکان را داشته باشد که درخواست تغییر نام را ارائه کند. نتیجه اینکه فرد می‌تواند پس از رسیدن به سن قانونی نام دلخواه خود را طی دادخواست به دادگاه ارائه کند و دادگاه با توجه به مبانی پیش گفته با جمع شرایط با این تغییر نام موافقت نماید.

به عنوان ابتدایی‌ترین و اولین وظایف پدر و مادر می‌توان از وظیفه انتخاب نام مناسب و با مسمی نام برد. به هر دلیلی که فرد پس از رشد و رسیدن به سن قانونی از نام خود راضی نباشد به شرط قانع نمودن قاضی می‌تواند

آن را تغییر دهد. البته باید توجه داشت که در سیستم حقوقی فعلی به دلیل غلبه برخی تعصبات مذهبی امکان تغییر نام‌های مذهبی خاص و مقدس وجود ندارد. برای تغییر اسم و نام کوچک یا باید مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت احوال به آن اداره مراجعه نمود و یا در صورت عدم حصول نتیجه از آن روش یا عدم پذیرش درخواست از سوی آن اداره می‌توان با طرح دعوی حقوقی در دادگاه اجبار اداره ثبت احوال به تغییر مورد نظر را درخواست کرد. در ادامه با اشاره به مقررات حاکم بر مساله تغییر نام به شرایط و مدارک لازم برای درخواست تغییر اسم و نام کوچک در شناسنامه اشاره می‌شود.

برابر ماده ۲۰ قانون ثبت احوال کشور:

- تشخیص نام‌های ممنوع با شورای عالی ثبت احوال می‌باشد و این شورا نمونه‌های آن را تعیین و به سازمان اعلام می‌کند.

- انتخاب نام در مورد اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است.

- ذکر سیادت در اسناد سجلی ساداتی که سیادت آنان در اسناد سجلی پدر و یا جد پدری مندرج باشد و یا سیادت آنان با دلائل شرعی ثابت گردد الزامی است، مگر کسانی که خود را سید ندانند و یا عدم سیادت آنان شرعاً احراز شود.

به موجب ماده ۲۰ قانون ثبت احوال و تبصره‌های آن انتخاب نام‌های زیر ممنوع و دارندگان آن‌ها می‌توانند با رعایت مقررات مربوطه نسبت به تغییر آن اقدام نمایند.

نام‌های قابل تغییر به شرح ذیل می‌باشد:

۱- نام‌هایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می‌گردد. مانند: «عبدالات، عبدالعزی» (لات و عزی نام دو بت در مکه معظمه دوران قبل از اسلام است).

۲- اسامی مرکبی که عرفاً یک نام محسوب

نمی‌شوند. (اسامی مرکب ناموزون) مانند: «سعید بهزاد، شهره فاطمه، حسین معروف به کامبیز و ...»

۳- عناوین؛ اعم از عناوین لشکری و یا کشوری و یا ترکیبی از اسم و عنوان. مانند: «سروان، سرتیپ، دکتر، شهردار و یا سروان محمد و و شهردار علی»

۴- القاب؛ اعم از ساده و مرکب. مانند: «ملک الدوله، خان، یا شوکت الملک، حاجیه سلطان و سلطانعلی»

۵- اسامی زننده و مستهجن؛ زننده و مستهجن آن دسته از نام‌هایی است که بر حسب زمان، مکان یا مورد به دلایل و جهات زیر برای دارنده آن زننده و مستهجن باشد و مراتب به تأیید شورای عالی برسد:

الف) نام‌هایی که معرف صفات مذموم و مغایر با ارزش‌های والای انسانی است. مانند: گرگ، قوچی و ...

ب) نام‌هایی که با عرف و فرهنگ غالب و مقدسات مذهبی مردم مغایر باشد. مانند: لات، خونریز، چنگیز و ...

ج) نام‌هایی که موجب تحقیر اشخاص بوده و یا معنای لغوی آن در جامعه قابل پذیرش نباشد. مانند: صد تومانی، گت آقا، کنیز، گدا و ...

د) اسامی نامتناسب با جنس. مانند: ماشاءاله برای اناث و یا انتخاب نام اشرف و یا اکرم برای افراد ذکور.

۷- حذف کلمات زائد و غیرضروری در نام اشخاص. مانند: قلی، غلام، گرگ، ذولف و قوچ

۸- تصحیح اشتباهات املائی در نام اشخاص که بدلیل عدم آشنایی مامور با لهجه‌ها و الفاظ و معانی محلی و یا ناشی از تلفظ اظهار کننده پیش آمده. مانند: زهرا به سهراب و یا منیجه به منیژه و یا ...

۹- هم نام بودن فرزندان با پدر و یا مادر در یک خانواده.

۱۰- هم نام بودن برادران و یا خواهران در یک خانواده.

۱۱- تغییر نام‌ها از صورت عربی به شکل فارسی از قبیل رحمن به رحمان، اسمعیل به اسماعیل، اسحق به اسحاق و ...

۱۲- تغییر نام کسانی که با تأیید مراجع ذیصلاح به دین مبین اسلام مشرف می‌شوند.

۱۳- تغییر نام کسانی که نام آن‌ها اسامی ایام هفته باشد.

۱۴- تغییر نام کسانی که تغییر جنسیت داده و دادگاه صالحه حکم به تغییر نوع جنس در اسناد سجلی و شناسنامه آنان صادر نموده است.

۱۵- پیشوند «عبد» خاص اسامی و صفات ذات پروردگار است و در سایر موارد متقاضی می‌تواند تقاضای حذف آنرا بنماید.

در مبحث تغییر نام:

انتخاب نام مناسب از جمله حقوقی است که والدین در مقابل فرزند بر عهده دارند. در موارد متعددی افراد به علت راضی نبودن از نامی که توسط والدین‌شان برای آنان انتخاب شده است، نسبت به تغییر نام خود تمایل دارند و شرط خاصی نیاز ندارد و هرکس می‌تواند برای یکبار درخواست تغییر نام بدهد. بنابراین هر شخص می‌تواند برای یکبار نسبت به تغییر نام خود از طریق مراجعه به اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه اقدام نماید. چنانچه به هر دلیل اداره ثبت احوال مربوطه درخواست مزبور را نپذیرفت شخص می‌تواند با مراجعه به مراجع قضایی درخواست خود را مطرح و چنانچه نام جدید مورد درخواست از اسامی ممنوع نباشد دادگاه مربوطه رسیدگی و حکم بر محکومیت اداره ثبت احوال صادر می‌نماید.

دستور العمل تغییر اسم:

تدوین دستورالعمل جدید تغییراسم در شناسنامه و تصویب آن در شورای عالی ثبت احوال اختیار

تغییر نام نیز، همچون تغییر نام خانوادگی به سازمان ثبت احوال داده شده و فرایند رجوع به دادگاه برای تغییر نام و گردش قضایی برای این منظور کاملاً حذف شده است.

هم‌اکنون تقاضای تغییر نام در کمیته ویژه‌ای با عنوان «کمیته نام» که در سازمان ثبت احوال تشکیل شده، رسیدگی می‌شود و در صورتی که مغایرتی با دستورالعمل تغییر نام وجود نداشته باشد، با آن موافقت می‌شود. رویه قبلی تغییر نام این گونه بود که فرد متقاضی باید دادخواست خود را به دادگاه تسلیم و با استفاده از وکیل، در دادگاه از خود دفاع می‌کرد. در رویه قبلی، متقاضیان تغییر نام را دچار مشکل می‌کرد و حتی بعضاً متقاضیان تغییر نام، ناچار می‌شدند که اظهارات خلاف واقع مطرح کنند تا موافقت دادگاه جلب شود.

از شرایط پذیرش درخواست تغییر نام آن است که؛ تغییر نام برای اولین بار باشد، نامی که درخواست تغییر آن داده می‌شود جزء اسامی مقدس نباشد و یا چنانچه نام مقدس است با نام مقدس دیگری تقاضای تغییر داده شود، همچنین جهت اثبات در دادگاه الزاماً نیاز به استشهادیه و حضور شهود در محضر دادگاه می‌باشد.

و نکته آخر اینکه شخص می‌تواند در محل سکونت خود نیز تقاضای خود را مطرح نماید هرچند اداره ثبت احوال مربوطه، در آن حوزه یا شهر واقع نشده باشد که در اینصورت مرجع رسیدگی یک نسخه از دادگاه و ضمائم را برای اداره مربوطه (در هر نقطه از کشور) ارسال می‌نماید و اداره مزبور در فرجه مقرر نسبت به ارائه لایحه دفاعیه اقدام خواهد نمود.

اشخاص واجد شرایط تغییر اسم:

۱. اشخاص ۱۸ سال به بالا
۲. افراد کمتر از ۱۸ سال که دارای حکم رشد باشند.
۳. پدر یا جد پدری با ارائه شناسنامه خود برای

فرزندان کمتر از ۱۸ سال

۴. سرپرست قانونی (قیم، امین، وصی) برای افراد صغیر و محجور با ارائه مدارک مستند که سمت او احراز شده باشد.

مدارک مورد نیاز جهت تغییر اسم:

۱. ارائه اصل شناسنامه و دو برگ تصویر آن
۲. تکمیل فرم درخواست تغییر نام
۳. فیش بانکی به مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال نزد کلیه شعب بانک ملی ایران به نام سازمان ثبت احوال کشور

ممکن است افراد به دلایل متفاوت و مختلفی اقدام به تغییر نام و نام خانوادگی کنند. در نتیجه این اصلاحات را در شناسنامه خود نیز وارد کنند. این تصمیم افراد می‌تواند دلایلی چون؛ دوکلمه‌ای بودن نام، داشتن معنای نازیبا و مستهجن و یا هر دلیل دیگری داشته باشد. اصولاً تغییر نام خانوادگی در صورتی که مستنداً به مواد ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ قانون ثبت احوال باشد به صرف یک درخواست به اداره ثبت احوال انجام می‌شود. در صورتی که اداره ثبت احوال تفسیری ارائه دهد که مخالف خواست متقاضی بوده و یا به هر دلیل از اعمال قانون اجتناب ورزد متقاضی تغییر نام خانوادگی می‌تواند با مراجعه به دادگاه عمومی اجبار اداره ثبت احوال به انجام درخواست خود را تقاضا کند.

قاضی دادگاه عمومی در صورتی که درخواست را موجه تشخیص دهد به اداره ثبت احوال دستور تغییر و اصلاح شناسنامه و درج نام خانوادگی جدید مورد انتخاب متقاضی را می‌دهد. طبق ماده ۹۹۷ قانون مدنی هر شخص باید دارای نام خانوادگی باشد.

به موجب ماده ۴۰ قانون ثبت احوال تغییر نام خانوادگی اشخاص منحصرأ با تصویب سازمان ثبت احوال کشور خواهد بود. برابر تبصره ماده ۴۱ قانون ثبت احوال، نام خانوادگی فرزند همان

مراحل تغییر نام خانوادگی به چه صورت است؟

(۱) تنظیم و تسلیم درخواست تغییر نام خانوادگی
(۲) ارائه اصل شناسنامه و دو برگ تصویر از کلیه صفحات آن

(۳) فیش بانکی را نزد هر یک از شعب بانک ملی ایران به نام سازمان ثبت احوال کشور ببرد. این فیش پس از تصویب نام خانوادگی جدید اخذ خواهد شد.

(۴) ارائه اجازه نامه تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی یا نزد مسئول نام خانوادگی اداره ثبت احوال محل سکونت متقاضی، از پدر یا جد پدری برای فرزندان کبیر که بخواهند از نام خانوادگی هر یک از آنها استفاده نمایند.

همچنین نام خانوادگی انتخاب شده توسط فرد باید با اجازه از کسی باشد که حق تقدم آن فامیلی را در دست دارد.

دارنده حق تقدم نام خانوادگی کسی است که برای اولین بار در قلمرو هر اداره ثبت احوال مستقل، نام خانوادگی خاصی به نام او در دفاتر نام خانوادگی ثبت و مختص او شناخته شده باشد. حق تقدم نام خانوادگی پس از فوت دارندگان آن به ورثه قانونی او منتقل می‌شود. دارنده حق تقدم نام خانوادگی یا وارث قانونی او بالاتفاق می‌توانند اجازه استفاده از نام خانوادگی خود را به اشخاص دیگر مشروط به آنکه محل صدور شناسنامه آنان یکی باشد، بدهند. ضمناً دارنده حق تقدم و یا هر یک از وراث می‌توانند شخصی که بدون اجازه نام خانوادگی او را اختیار کرده مورد اعتراض قرار داده و تغییر نام خانوادگی او را از دادگاه بخواهند.

به گزارش یک خبرگزاری یکی از مواردی که این روزها بسیار به چشم می‌خورد افراد به اصطلاح دو اسم هستند، یعنی اینکه خانواده‌هایشان به علت مقررات ثبت احوالی، یک اسم سنتی و مجاز برای شناسنامه آنها برگزیده‌اند و همزمان، نام دیگری برای محاوره‌های خودمانی انتخاب

نام خانوادگی پدر می‌باشد. همچنین مطابق ماده ۴۲ زوجه می‌تواند از نام خانوادگی زوج استفاده نماید.

شرایط تغییر نام خانوادگی چگونه است؟

(۱) نام خانوادگی بیش از دو کلمه و یا بیش از یک کلمه و یک حرف یا عدد یا پسوند و یا بطور مطلق یا مضاف نام محل باشد.

(۲) نام خانوادگی از واژه‌های مستهجن و ناپسند ترکیب شده باشد.

(۳) نام خانوادگی از واژه‌های خارجی باشد.

(۴) نام خانوادگی‌های مذموم که مغایر ارزش‌های فرهنگ اسلامی باشد.

(۵) اسامی محل بطور مطلق و مضاف.

(۶) واژه‌هایی که از القاب و اسامی مربوط به عناوین علمی اعم از درجات و مؤسسات علمی مانند دکتر، دانشگاه و یا مناصب دولتی از لشکری و کشوری بصورت مطلق باشد.

(۷) اجازه نامه از شوهر بدون رعایت حق تقدم بلامانع است. در صورت وقوع طلاق یا فسخ نکاح با درخواست هر یک از زوجین، سند سجلی و شناسنامه زوجه به نام خانوادگی اولیه برگشت داده می‌شود. پس از فوت همسر تا زمانی که زوجه شوهر دیگری اختیار نکرده باشد کماکان می‌تواند از نام خانوادگی همسر متوفایش استفاده نماید یا به نام خانوادگی اولیه خود برگردد.

(۸) در صورتی که نام خانوادگی پدری تغییر یابد، تغییر نام خانوادگی فرزندان کمتر از ۱۸ سال با درخواست کتبی پدر و تغییر نام خانوادگی فرزندان کبیر وی بدون رعایت حق تقدم و با ارائه اجازه نامه از پدر ممکن خواهد بود.

(۹) هرگاه پدری نام خانوادگی خود را تغییر و فوت نماید هر یک از فرزندان متوفی می‌توانند برابر تبصره ماده ۴۱ قانون ثبت احوال نام خانوادگی خود را به نام خانوادگی پدر تغییر دهند.

کرده‌اند یا اینکه خود فرد با رسیدن به سنین نوجوانی و جوانی در اثر امواج فرهنگی بیگانه، نام شناسنامه‌ای‌اش را کتمان می‌کند و نامی غربی و در اصطلاح «مد روز» را برای خود برمی‌گزیند.

براساس یافته‌های پژوهشگران، نام افراد بر نوع شخصیت و هویت آن‌ها تاثیر بسزایی دارد. نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد که صاحبان برخی از نام‌ها کمترین میزان بزه‌های اجتماعی را مرتکب می‌شوند.

در گذشته‌های نه چندان دور که روابط به پیچیدگی این روزها و نبود و تمامی اهالی محله‌ها یکدیگر را می‌شناختند و روابط مستقیم با هم داشتند، معمولاً افراد را با نام پدرهایشان یا با مشاغل و نقش‌هایی که داشتند، می‌خواندند. پس از گذار جوامع از سنتی به مدرن، پیچیدگی روابط و رواج شهرنشینی، نام‌ها نیز مانند دیگر مولفه‌های اجتماعی در این تعلیق گیر کردند.

این شد که والدین در گیر و دار انتخاب نام‌های سنتی و مجاز برای فرزندان‌شان و انتخاب نام‌های به اصطلاح به روز که گاه به مرز غربی‌گرایی و نام‌های دشوار نیز پیش می‌رفت، گیر کردند و در این میان دو اسمی بودن را چاره فرار از این دوراهی دانستند. در پی این روند، شهر پر شد از افرادی که در خانه و در میان جمع‌های خانوادگی و دوستی به نام‌هایی خوانده می‌شدند که نام‌های شناسنامه‌ای آن‌ها نبود. از سوی دیگر، برخی از فرزندان برخاسته از خانواده‌های سنتی که دارای نام‌هایی سنتی بودند، پس از ورود به سنین نوجوانی و جوانی از نام خود احساس نارضایتی کردند و با انتخاب نامی غربی و با تفاوت معنایی ۱۸۰ درجه‌ای با نام اصلی آن‌ها، به فاصله گرفتن از هویت خانوادگی خود کمک کردند.

در هر صورت دو اسمه بودن به خصوص در سنین کودکی می‌تواند مشکلاتی مانند دوگانگی را به خصوص در محیط مدرسه به وجود آورد و چه بهتر است که والدین با انتخاب نامی واحد فرزندان‌شان را از مشکلات احتمالی بیمه کنند.

نمونه استشهاد برای تغییر نام:

نمونه استشهاد درخواست تغییر نام شناسنامه‌ای به نامی که به آن اشتهار دارند.

بسمه تعالی

بدینوسیله از دوستان، آشنایان، معتمدین و اقوام اینجانب استشهاد و استعلام می‌گردد در خصوص اینکه اینجانب فرزند با کدملی متولد صادره از از بدو تولد تا کنون میان خانواده و اقوام و دوستان مرا به اسم صدا نموده‌اند و تاکنون که به سن سالگی رسیده‌ام نیز به همین اسم مشهور می‌باشم به طوری که عملاً اسم من می‌باشد و نام شناسنامه‌ای‌ام برای من و همه خانواده و کسانی که مرا می‌شناسند نامانوس و غیرمعمول به نظر می‌رسد و در مراجعه به ادارات و در رابطه زندگی شغلی با زندگی شخصی‌ام دچار دوگانگی و مشکل شده‌ام و از نظر روحی و روانی در تمام دوران تحصیل و دانشگاه و الان در محیط کاری آسیب دیده‌ام. توضیحا این که پدر و مادرم نیز با تغییر نام شناسنامه‌ای‌ام به نام که همه جا با این نام شناخته شده‌ام موافق می‌باشند.

۱- نام و نام خانوادگی کد ملی

نحوه آشنایی مدت آشنایی

۲-

۳-

امضاء

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (سوره مبارکه نور، آیه ۲)

«باید هر یک از زنان و مردان زنا کار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز درباره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند.»

حقوق کودکان نامشروع

از دیدگاه فقه

و قوانین حاکم بر جامعه

ساجده سادات موسوی
کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلام

زنا یکی از اعمالی می باشد که گناه و مبعوض پروردگار است. در فقه و در قانون مجازات اسلامی که برگرفته از فقه اسلامی می باشد، مجازاتی برای انجام دهندگان این عمل در نظر گرفته شده است. در ادامه به تعریف و توضیح بیشتر در مورد این موضوع می پردازیم.

زنا عبارت است از؛ «نزدیکی شخص بالغ و عاقل با زنی که بر او حرام است، بدون این که عقد نکاح یا شبهه وجود داشته باشد، با علم به حرمت نزدیکی و اختیار.»

باتوجه به تعریف فوق برای تحقق زنا ارکان و شرایط زیر لازم است:

۱) باید نزدیکی واقع شده باشد: بنابر نظر فقهای امامیه، نزدیکی با ادخال حشفه در قبل یا دبر تحقق می یابد. اما در زنا منظور نزدیکی از قبل است که از آن فرزندی به بار آمده باشد. بنابراین تفخیز زنا محسوب نمی شود و طفل ناشی از آن ولد الزنا تلقی نمی گردد.

۲) نزدیکی کننده باید بالغ باشد و دخول نابالغ زنا به شمار نمی آید.

۳) نزدیکی کننده باید عاقل باشد. پس نزدیکی مجنون زنا نیست و فرزند ناشی از آن ولدالزنا محسوب نمی‌شود.

۴) نزدیکی باید با زن (زنده) صورت گرفته باشد.

۵) زن باید بر مرد حرام باشد اعم از اینکه شوهر داشته باشد یا بی‌شوهر باشد، از محارم نسبی، سببی یا رضاعی مرد یا نه.

۶) باید عقد یا شبهه‌ای وجود نداشته باشد؛ یعنی، اگر نزدیکی با علم به نبودن رابطه زوجیت و حرمت آن واقع شده باشد، زنا صادق است.

۷) نزدیکی کننده باید مختار باشد. پس اگر کسی در اثر اکراه رابطه جنسی برقرار نماید زناکار نیست چه زن باشد و چه مرد که قول مشهور در بین فقهای امامیه و در قانون مدنی اکراه در هر دو مورد را سبب رفع حکم و تکلیف می‌دانند.

نسب نامشروع (نسب ناشی از زنا)

هرگاه در نتیجه رابطه نامشروع زن و مرد، طفلی به دنیا آید، نسب او ناشی از زنا و به تعبیر دیگر نامشروع است و طفل را ولدالزنا، فرزند طبیعی و فرزند نامشروع گویند. در حقوق ایران نسب نامشروع به رسمیت شناخته نشده و طفل ناشی از رابطه آزاد زن و مرد به زناکار ملحق نمی‌شود. روابط آزاد زن و مرد برخلاف اخلاق و سنن اجتماعی و مذهبی است. این گونه روابط از آنجا که ثبات و تضمینی ندارد و بر پایه صحیح اجتماعی و اخلاقی استوار نیست، نمی‌تواند جایگزین روابط ناشی از نکاح شود. اطفال متولد از این گونه روابط معمولاً از تربیت صحیحی که در خانواده حاصل می‌شود محروم و در نظر مردم پست و بی‌مقدارند و از این رو عده‌ای از آنان دارای عقده‌هایی هستند و از لحاظ اجتماعی مشکلاتی به بار می‌آورند.

عدم الحاق ولدالزنا به زانی

هرگاه زنا با شرایط مذکور تحقق یابد و فرزند از آن حاصل شود، بنابر عقیده فقهای اسلامی، اعم از شیعه و سنی، آن طفل به زانی ملحق نمی‌گردد، یعنی؛ رابطه قانونی نسب بین طفل و زناکار پدید نمی‌آید. این قاعده از اخبار و احادیث به ویژه حدیث نبوی؛ «الولد للفراس و للعاهر الحجر» مستفاد می‌شود و حتی بر آن ادعای اجماع شده است. قانون مدنی نظر فقهای اسلامی را پذیرفته، مقرر می‌دارد: «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود.» (ماده ۱۱۶۷)

بنابراین طفلی که ناشی از زناست قانوناً به زناکار منتسب نخواهد بود. هرگاه پدر و مادر هر دو زناکار باشند، طفل به هیچ یک ملحق نمی‌شود و اگر یکی زناکار محسوب شود و عمل دیگری به علت شبهه یا اکراه زنا نباشد، طفل به کسی ملحق می‌شود که مرتکب زنا نشده است.

حقوق کودکان نامشروع از دیدگاه فقه و قوانین حاکم بر جامعه

قانون مدنی به پیروی از فقه اسلامی و در راه حمایت از خانواده مشروع و به منظور جلوگیری از افزایش اطفال نامشروع، طفل متولد از زنا را به زانی ملحق نمی‌داند. بنابر تفسیری که قبل از صدور رای وحدت رویه دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۷۶ از آن می‌شد، این بود که قانون نسب طبیعی طفل نامشروع را نادیده می‌گیرد و آثار قانونی نسب مانند ولایت قهری، حضانت و ارث بر آن مترتب نمی‌شود. بنابر این تفسیر، حقوق و تکالیفی که در قانون برای اولاد نسبت به ابویان و سایر اقربای

خط صعودی شناخته شده بود، مخصوص اطفال مشروع بود و اطفال طبیعی که نسب آنان به رسمیت شناخته نشده بود، فاقد این حقوق و تکالیف بودند. برای روشن تر شدن مطلب در ادامه به توضیح آن، می‌پردازیم.

منع نکاح

در مورد منع نکاح، قانون مدنی به پیروی از قول مشهور فقهای امامیه، نسب نامشروع را در ردیف نسب مشروع قرار داده و تفاوتی بین این دو گونه نسب قائل نشده است. (ماده ۱۰۴۵) زیرا در قرابت نسبی که به عنوان مانع نکاح تلقی شده، رابطه خونی و طبیعی بین اشخاص مورد نظر بوده است، نه رابطه قانونی نسب. بنابراین، همانطور که شخص نمی‌تواند فی المثل با اولاد یا پدر و مادر مشروع خود ازدواج کند، با اولاد یا پدر و مادر طبیعی خویش هم نمی‌تواند عقد نکاح ببندد.

ارث

در مورد ارث قانون گذار وضع حقوقی اطفال نامشروع را به صراحت روشن کرده؛ در نتیجه در اینجا بین نسب مشروع و نامشروع فرق گذارده و توارث بین طفل نامشروع و پدر و مادر طبیعی او و اقوام آنان را منع کرده است. ماده ۸۸۴ قانون مدنی در این زمینه می‌گوید: «ولدالزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد؛ لیکن اگر حرمت رابطه که طفل ثمره آن است نسبت به یکی از ابویین ثابت و نسبت به دیگری به واسطه اکراه یا شبهه زنا نباشد، طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می‌برد و بالعکس.»

آثار دیگر نسب

در مورد سایر آثار نسب به ویژه ولایت قهری، حضانت و نفقه نص خاصی راجع به اطفال نامشروع در قانون مدنی نیامده است. مقتضای عدم الحاق، بنابر تفسیر سنتی، این بود که نسب نامشروع دارای این آثار نباشد و فقط در مورد نکاح قانون گذار آن را استثنائاً منشا اثر قرار داده بود. اما عدالت اقتضا می‌کرد که در حمایت از این اطفال بی‌گناه که قربانی هوسرانی پدر و مادر هستند، چاره‌ای ارائه شود. به همین منظور، رای وحدت رویه دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۷۶ با برابر شناختن اطفال مشروع و نامشروع، به جز در مورد ارث، گام بزرگی در راه حمایت از اطفال برداشت و به این بحث خاتمه داد.

رأی وحدت رویه درباره آثار نسب نامشروع

برابر رأی وحدت رویه شماره ۳-۱۶۱۶/۴/۱۳۷۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور که لازم الاتباع است، بین طفل مشروع و طفل نامشروع، از جهت حقوق و تکالیف، اصولاً تفاوتی وجود ندارد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی، صرفاً توارث بین اطفال نامشروع و ابویین آنها منتفی است. بنابراین حقوق و تکالیف ابویین طبیعی، مثل حضانت و ولایت و نفقه باقی است و اعلام ولادت به اداره ثبت احوال و اخذ شناسنامه با نام پدری برای فرزند نامشروع اجباری است.

این رای مبتنی بر نظر بعضی از فقهای معاصر است که تحول بسیاری در جهت حمایت از طفل متولد از رابطه نامشروع می‌باشد. اما بدیهی است که این ضابطه مجوزی برای برقراری رابطه نامشروع بین زن و مرد که در قانون جرم شناخته شده است، نخواهد بود.

(منبع: کتاب مختصر حقوق خانواده از دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسد الله امامی)

آمنه چپره‌ها
کارشنای ارشد فقه و مباحث حقوق اسلامی

پوشش زنان؛ مسئله قانونی یا فرهنگی؟!

و مذاهب
حاکم و پذیرفته شده
در هر جامعه بر این موضوع
تاثیر فراوانی دارد.
به نظر می‌رسد مسئله‌ی اجتماعی
پوشش زنان، امروزه بیش از هر زمان
دیگری مورد بحث گروه‌های مختلف، از
قبیل؛ نخبگان سیاسی و اجتماعی، رسانه‌ها
و سیاستمداران قرار گرفته است و به دلیل
جایگاه ویژه آن در فرهنگ، سیاست و حقوق
جوامع؛ بایستی مورد بررسی قرار گیرد.

پوشش زنان در ایران اسلامی

عفاف و پوشش زنان جامعه ایران از دیرباز
تجلی فرهنگ غنی و تمدن ایرانی است. با
پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز، به منظور
حفظ کرامت و شخصیت انسانی زن، بر اساس
آموزه‌های دینی، حضور زنان در جامعه منوط

پوشش
افراد در طول
تاریخ سرزمین‌ها و
ادیان و مذاهب مختلف،
همواره مورد توجه بوده
است زیرا پوشش مردم یک
منطقه نشان دهنده‌ی فرهنگ،
سنن، آیین، ارزش‌ها و حتی سیاست‌های
حاکم بر آن ملت است. نوع پوشش اجتماعی
می‌تواند نمایانگر وضعیت اقتصادی و میزان تاثیر
حاکمان آن جامعه و قدرتمندان دیگر جوامع نیز
بر مردم باشد. همچنین می‌توان بیان داشت که
پوشش شکلی از رسانه نمادین است و ارتباطات
انسان و جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند،
به آن هویت می‌دهد.
مطالعه تاریخ نشان می‌دهد، پوشش زنان در جوامع
به دلیل اهمیت مقام زن و حفظ کیان خانواده از
اهمیت بالایی برخوردار بوده است و دستورات ادیان

به داشتن نوع خاصی از پوشش شد. بنیان گذار انقلاب اسلامی، آیت الله خمینی (ره)، بر ضرورت داشتن حجاب برای زنان در محیط کار و جامعه تاکید کردند و پیشرفت زنان و ایران اسلامی در میادین علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را در گرو حضور زنان به صورت سالم و با قید داشتن حجاب، عنوان کردند. از این رو برای تامین امنیت زنان و جلوگیری از آسیب‌هایی که ممکن است برخی افراد با ذهن بیمار، برای آن‌ها به وجود بیاورند، قوانین و مصوباتی توسط دستگاه‌های قانون‌گذاری و نهادهای سیاسی و فرهنگی به تصویب رسید.

از آنجا که مسئله حجاب بیشتر یک امر فرهنگی است و بهتر است ورود قانون به این مسئله در مرحله آخر قرار گیرد، سالانه بودجه قابل توجهی به نهادهای فرهنگی و سازمان‌های هنری رسانه‌ای تعلق می‌گیرد تا فرهنگ عفاف و حجاب به شکلی درخور و شایسته به مردم معرفی شود و خود افراد، به ویژه زنان، خواستار پوشش مناسب در هر مکان باشند. اما علی‌رغم صرف هزینه‌های سنگین در هر دولت برای مسئله حجاب، به نظر می‌رسد نهادهای مذکور نتوانسته‌اند به موفقیت چندانی دست یابند و مسئولان مربوط به جای پاسخ‌دهی در این خصوص، از مردم مطالبه دارند و شکایت وضع موجود را به آن‌ها می‌نمایند.

بایستی بیان داشت که فرهنگ عفاف و حجاب در یک جامعه زمانی درونی و تاثیرگذار خواهد بود که تمامی نهادها و سازمان‌های دولتی در جهت آن حرکت نمایند و متناسب با شرایط روز جامعه جهانی عمل کنند. به بیان دیگر، راه حل اصلی برای اقناع فکری و نهادینه کردن فرهنگ عفاف موارد ذیل است:

الف) سیاست‌های دولت برای درونی سازی فرهنگ عفاف باید در نظام آموزشی و برنامه درسی دانش آموزان به شکلی جذاب و خلاقانه و متناسب با گروه سنی و جنسیت آنان توسط معلمان هدایت شود.

ب) ابزار رسانه به صورت مکتوب، شنیداری و

دیداری نیز می‌تواند در جهت فهم ارزش مسئله عفاف کمک شایانی نماید. لازم به توضیح است که با توجه به فضای رو به رشد رسانه و فضای مجازی و سرعت بالای پیشرفت آن در زمینه‌های مختلف، رسانه داخلی چنانچه نتواند خود را به سطح جهانی نزدیک نماید، عملکردی برخلاف جهت هدف مدنظر خواهد داشت و به نوعی می‌تواند ضدتبلیغ برای عفاف و حجاب باشد.

ج) دولت بایستی نهادهای اقتصادی را موظف نماید که از صنعت پوشاک متناسب با ارزش‌های ایرانی - اسلامی حمایت نماید و برای تولیدکنندگان مشوق‌های مناسبی را در نظر بگیرد. لازم به توجه است که موارد گفته شده زمانی موثر خواهند بود که وضعیت اقتصاد و معیشت شهروندان در وضعیت مناسبی باشد و افرادی که با رای ملت به قدرت رسیده‌اند، به تمام وظایف خود عمل نمایند. در غیر اینصورت، نگاه تک بعدی به مسئله و صرف توجه به یکی از مسائلی که دین مبین اسلام بیان نموده، نمی‌تواند راهگشای مسئله حجاب در جامعه باشد. در ادامه قوانین و مصوبات منابع سیاست گذار در زمینه پوشش زنان را بررسی می‌کنیم.

پوشش در فقه و قوانین ایران

دین رسمی در کشور، اسلام است و تمامی قوانین و مصوبات بر اساس آموزه‌های اسلامی تدوین شده‌اند. منبع نگارندگان قانون، قرآن کریم و سنت است، از این رو برای تعیین حدود پوشش زنان، به قرآن کریم و روایات ائمه مراجعه می‌کنیم. خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره مبارکه‌ی احزاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»: «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلابها (= روسری‌های بلند) خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته

(ع) آمده است که فرموده‌اند: «پوشیده و محافظ داشتن زن مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی او است.» (غررالحکم، ۵۸۲۰) امام صادق (ع) نیز در خصوص حجاب برای زن فرموده‌اند: «حجاب زن برای طراوت و زیبایی‌اش مفیدتر می‌باشد.» (المستدرک، ج ۵) با این مقدمه به بیان قوانین و مصوبات مربوط به حجاب می‌پردازیم.

قوانین و اسناد و مصوبات در حوزه حجاب و عفاف

قانون اساسی

قانون اساسی مهمترین قانون کشور ما و در راس قوانین قرار دارد و چارچوب سایر قوانین، اسناد و مصوبات را مشخص می‌کند. اصل چهارم قانون اساسی بیان می‌کند: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاع یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

اصل دوازدهم: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و...»

اصل صد و شصت و هفت: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

قانون مجازات اسلامی

ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص بدحجابی و تظاهر به عمل حرام بیان می‌کند: «هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴)

شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.» همچنین در آیه ۳۱ سوره مبارکه مبارکه‌ی نور می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.» (و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را -جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان (=کنیزانشان)، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!»

پیامبر اکرم (ص) در دعایی می‌فرماید: «پروردگارا، زنانی که خود را پوشیده نگه می‌دارند، مشمول رحمت و غفران خود بگردان.» (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۴) در روایتی از امام علی



این ماده، حجاب عرفی است و پوشش باید به گونه‌ای باشد که احساسات عمومی را جریحه‌دار نکند زیرا پوشش بانوان ایرانی نمایانگر فرهنگ و تمدن غنی ایران است و اسلام نیز به دلیل ارزشی که برای مقام زن قائل است، بر اهمیت پوشش مناسب تاکید نموده و حدود آن را مشخص کرده است.

مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال‌های ۷۶، ۸۴ و ۹۸، به ترتیب به بیان موارد ذیل در خصوص حجاب و عفاف پرداخته است: الف) اصول و مبانی و روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف ب) راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف ج) مجموعه تکمیلی اقدامات اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب.

این شورا به منظور هماهنگی دستگاه‌های مختلف در تقویت عفاف و حجاب، اصولی را بیان

ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره (جزای نقدی اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۰۸) - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از ۲/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

ملاک حجاب شرعی در قانون مبهم است و تعریفی از آن ارائه نشده است و در محافل حقوقی محل بحث حقوقدانان می‌باشد. برخی معتقدند؛ با توجه به اصل تفسیر به نفع متهم و لزوم تفسیر مضیق قانون مجازات، منظور از عدم رعایت حجاب شرعی، کشف حجاب به صورت کامل است.

به نظر می‌رسد منظور از حجاب در تبصره

کرده است. از قبیل؛

قانون امر به معروف و نهی از منکر

بر اساس ماده ۱۰ قانون امر به معروف و نهی از منکر، آموزش و کار فرهنگی در این زمینه مقدم بر برخورد قانونی با اصول و ارزش‌هایی همچون؛ رعایت عفاف و حجاب است: «وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین، شهرداری‌ها و سایر نهادها و دستگاه‌های فرهنگی مکلفند شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر و بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در این خصوص را از طریق آموزش و اطلاع رسانی فراهم کنند.»

ماده ۱۶ این قانون عنوان می‌کند که عهده‌دار وظایف ذیل است: «... ۱۱- پیگیری مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارتباط با تکالیف ستاد در خصوص راهکارهای اجرایی فرهنگ عفاف و حجاب ...»

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

سند تحول بنیادین در خصوص ترویج و گسترش فرهنگ عفاف و حجاب راهکارهایی را ارائه داده است:

۱- اتخاذ تدابیر مناسب جهت جذب، تربیت و بکارگیری نیروی انسانی شایسته و متعهد و عامل به رعایت حیا، عفاف و پوشش مناسب در کلیه مراکز اداری و آموزشی.

۲- جلب مشارکت سازنده و اثربخش خانواده‌ها در حفظ، تعمیق و اشاعه حیا، عفاف و پوشش دانش آموزان

۳- ایجاد ساز و کارهای لازم برای هماهنگی رسانه‌ها و تولید کنندگان کتب و مواد آموزشی، لوازم التحریر و تجهیزات آموزشی و تربیتی در جهت ترویج فرهنگ حیا، عفاف و حجاب مناسب دانش آموزان

۴- طراحی و ارائه الگوی لباس و پوشش مناسب،

اصل یک: «عفاف و حجاب از نتایج و مظاهر ایمان و تقوا است. بنابراین برای تقویت آن باید در درجه اول به تحکیم ایمان و تقویت باورهای دینی افراد جامعه که در حکم روح و ریشه اخلاق و رفتار آنان است، توجه شود.»

اصل دو: «در توسعه فرهنگ عفاف و حجاب، لازم است به تحکیم ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی خاصی از قبیل شرم و حیا و آزر و غیرت که با عفاف و حجاب رابطه نزدیک و بی واسطه دارند و خود از ثمرات ایمان و تقوا محسوب می‌شوند و نیز به آموزش احکام شرعی مربوط به عفاف و حجاب و آموزش صحیح رفتار زن و مرد با یکدیگر در جامعه و خانواده توجه کافی مبذول شود.»

اصل پنج: «لازم است توجه عموم افراد، خصوصاً جوانان به نقش عفاف و حجاب در ایجاد هویت فرهنگی و ملی مستقل برای کشور و ملت و همچنین به آثار مثبت سیاسی این استقلال جلب و مقاصد دشمنان در ترویج فرهنگ برهنگی که خود یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی است با ذکر شواهد و نمونه‌های تاریخی تشریح شود.» برخی از راهبردهای ارائه شده در این شورا با هدف گسترش فرهنگ حجاب به شرح ذیل است:

«توسعه فرهنگ کنکاش و تفکر در مفاهیم دینی توسط جوانان به منظور پذیرش درونی و قلبی و عمل به آن‌ها»، «اتخاذ تدابیر مناسب جهت جذب، تربیت و به کارگیری نیروی انسانی شایسته نظیر مدیران، معلمان و اساتید معتقد و عامل به رعایت حجاب و عفاف در کلیه مراکز اداری و آموزشی»، «ارتقای سطح آگاهی جوانان در خصوص ارتباطات صحیح انسانی و اخلاقی بین آن‌ها و حفظ حدود عفاف و حجاب در جامعه و خانواده»، «توجه دادن به رعایت و نیز باور پوشش نه به عنوان یک اجبار اجتماعی بلکه به عنوان یک ارزش انسانی، دینی و معنوی و یک باور قلبی جهت مصونیت از زشتی‌ها و آسیب‌های اجتماعی»، ...

متنوع، زیبا و آراسته مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی برای مریبان و دانش آموزان پسر و دختر در راستای تقویت هویت اسلامی- ایرانی

۵- برنامه‌ریزی به منظور اقعاع فکری دانش آموزان برای پذیرش قلبی و درونی حیا، عفاف، حجاب و عمل به آن با تبیین دیدگاه سالم

۶- ارائه خدمات مشاوره‌ای، تربیتی در کلیه سطوح تحصیلی برای افزایش سلامت جسمی و روحی دانش‌آموزان

راهکارها و سیاست‌های معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری

معاونت امور زنان و خانواده به عنوان یک منبع سیاست‌گذار در زمینه پوشش زنان، راهکارها و سیاست‌هایی را ارائه داده است که به بیان برخی از آنان می‌پردازیم:

۱- تحقیق و تدوین کتب و مقالات مناسب در خصوص فلسفه حجاب و عفاف، و شیوه‌های رواج آن در کشور و پاسخگویی به شبهات طرح شده در زمینه حجاب و پوشش.

۲- تهیه پودمان آموزشی ترویج فرهنگ عفاف برای خانواده‌ها.

۳- تشکیل دوره‌های آموزشی کوتاه مدت برای ارباب رجوع‌ها در دستگاه‌های اجرایی و تشکیلات غیردولتی.

۴- برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نشست‌های تخصصی با موضوع فرهنگ عفاف در مراکز علمی - تحقیقاتی.

۵- همکاری با سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص ترویج نمادها و الگوهای لباس‌های بومی ایرانی و تشویق و حمایت از مراکز تولید و توزیع لباس‌های ملی و اسلامی.

۶- افزایش مشارکت زنان در عرصه خانواده و اجتماع از طریق بررسی علمی و کارشناسی

موضوع و ارائه راهکار

۷- شناخت مسائل و مشکلات زنان در جامعه، خانواده، محیط کار و پیگیری اصلاح قوانین مربوطه با وضع قوانین لازم برای حل مشکلات.

سخن پایانی

لزوم داشتن پوشش مناسب و متناسب با هر مکان برای زنان و مردان مسئله‌ای است که تقریباً در همه‌ی کشورهای جهان اهمیت دارد و از آنجا که نمایانگر وضعیت فرهنگی یک جامعه می‌باشد، همواره در میادین مختلف مورد توجه بوده است. بررسی فرهنگ تاریخی کشور عزیزمان ایران، نشان می‌دهد که از زمان‌های گذشته نوع پوشش زنان و مردان اهمیت خاصی داشته و باید از این میراث گران‌بها به درستی حفاظت شود.

بر اساس ماده ۵ قانون امر به معروف و نهی از منکر؛ «در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» همین ماده و منابع فقهی نشان می‌دهد؛ برخورد سلیقه‌ای با مسئله حجاب و نقض حقوق انسانی و اجتماعی افراد امری مغموم است و هیچ کسی حق ندارد، به نام اسلام، ضد مبانی و اصول آن برخورد نامناسبی با افراد بدحجاب و بی‌حجاب داشته باشد و به جان و حیثیت آنان آسیب زند. همانطور که گفته شد، حجاب و عفاف مسئله‌ای فرهنگی است و نهادهای مسئول با عمل به وظایف خود بایستی ارزش و جایگاه والای عفاف، را به نحوی شایسته و مطابق با الگوی اسلامی برای بانوان تبیین کنند زیرا عفاف و پوشش عرفی، تجلی تمدن و فرهنگ ایران اسلامی است که باید حفظ شود و عدم توجه به آن می‌تواند عواقب سنگینی همراه داشته و مشکلات عمده‌ای را به وجود بیاورد.

